



۲۰۲۱/۰۱/۰۴



راديو فرانسه
تحقیق جالب

۲۰۲۰: سالی که انفعال امریکا در خاورمیانه قطعی شد

ژان پیر فیلیو، مورخ عربیدان فرانسوی که آثار زیادی در باره خاورمیانه و به ویژه اسلامگرایی دارد، سال پایان یافته میلادی را برای خاورمیانه (شرق میانه) دارای اهمیت می داند. کاهش حضور آمریکا به عنوان روندی غیرقابل بازگشت، شدت گرفتن رقابت‌ها و جاه طلبی‌های منطقه‌ای و بالاخره ایجاد رابطه‌ای رسمی و راهبردی میان اسرائیل و امارات، تحولاتی هستند که می‌توانند در آینده خاورمیانه (شرق میانه) تعیین کننده باشند.

ژان پیر فیلیو در مقاله‌ای تحت عنوان "۲۰۲۰، سال چرخش خاورمیانه (شرق میانه)" که در تاریخ سوم ژانویه (جنوری) ۲۰۲۱ در سایت روزنامه لوموند منتشر شده، مینویسد که تصمیم‌ها و حرکات بینظم و ترتیب دونالد ترامپ نباید ذهن را از پدیده اصلی خاورمیانه غافل سازد. حضور آمریکا در این منطقه از زمان اوباما به بعد به تدریج رنگ باخته و این روند به شکلی برگشت ناپذیر ادامه خواهد یافت.

همزمان با این روند تدریجی، سال ۲۰۲۰ شاهد برقراری روابط رسمی میان اسرائیل و امارات بود. این "عادی‌سازی" روابط به معنای عزم مشترک دو کشور در مبارزه با دو خطر است: ایران و اخوان المسلمین. در این سال، ترکیه که جای پای خود را در شمال سوریه محکمتر کرده، بلند پروازی‌های سیاسی خود را با جرأت بیشتری پی گرفت و بدون تعارف، مزدورانی را که از جبهه‌های سوریه و کردستان جمع کرده بود به لیبی و قفقاز اعزام کرد (قره‌باغ)...

معامله قرن

در اوایل سال ۲۰۲۰، دونالد ترامپ ادعا کرد که برای حل اختلافات اسرائیلی‌ها و فلسطینیان به داد و ستدی بزرگ دست زده که به "معامله قرن" معروف شد. حاصل چنین معامله‌ای اگر به اجرا در می‌آمد خُرده کشوری به نام فلسطین میبود که بخش‌های مهمی از سرزمین‌های باختری از آن جدا شده و به خاک اسرائیل می‌پیوست. از نظر کاخ سفید ده‌ها میلیارد دلاری که برای اجرای این "طرح صلح" لازم بود می‌بایست توسط اروپاییان و کشورهای نفتخیز منطقه پرداخت می‌شد...

اما به نوشته ژان پیر فیلیو، نامتعادل بودن این پیشنهادها و تکروری دونالد ترامپ نه تنها مخالفت فلسطینیان را برانگیخت که باعث شد آمریکا در پرونده صلح خاورمیانه مطلقاً منفعل شود.

نفوذ ایران و پیمان راهبردی اسرائیل و امارات:

ژان پیر فیلیو سپس به ترور قاسم سلیمانی و حمله تلافی جویانه ایران به پایگاه عین‌الاسد می‌پردازد و می‌نویسد که در نهایت، طی این وقایع آمریکا نتوانست مانع نفوذ فزاینده ایران در عراق شود. مشاهده همین ناتوانی اسرائیل و امارات را مصمم کرد تا همراهی و همکاری خود را در قالب یک "پیمان صلح" رسمیت بدهند. ژان پیر فیلیو

گوشزد می‌کند که در این مصالحه، آمریکا فقط نقش شاهد را به عهده داشت و محمد بن زاید آل نهیان، شخصیت اصلی سیاست امارات حتی حاضر نشد به مناسبت امضای پیمان به واشنگتن برود.

عادی سازی روابط امارات با اسرائیل قابل مقایسه با سایر موارد نیست. مراکش، سودان و بحرین در ازای برقراری رابطه با اسرائیل پاداش‌هایی از آمریکا دریافت کردند: حاکمیت بر صحرای غربی برای مراکش، خروج از فهرست تروریستی برای سودان و بالاخره دست باز و اختیار تام در سرکوب‌های داخلی برای دولت بحرین... اما رابطه اسرائیل و امارات از جنس دیگری است. این دو کشور با صلاح‌دید دوجانبه و با نگاهی راهبردی روابط خود را رسمیت بخشیدند. در اینجا، گذشته از مبادلات متعدد اقتصادی و فنی، همکاری تنگاتنگ نیروهای ویژه و دستگاه‌های اطلاعاتی مورد نظر است. امارات که در یمن و لیبی حضوری فعال دارد، کم کم شبکه‌ای از پایگاه‌های دریایی را در دریای سرخ و در مسیر اقیانوس هند در اختیار گرفته است. این امتیازات راهبردی مسلماً از نظر اسرائیل نیز بسیار ارزشمند است و طبیعاً می‌تواند ابزار مؤثری در راه مقابله با ایران باشد.

ترکیه و رویاهای بلندپروازانه:

محور اسرائیل-امارات مقابله با جاه طلبی‌های ترکیه را هم در دستور کار دارد. بخصوص که در منازعه لیبی، ترکیه توانست نیروهای تحت حمایت امارات (حقتر) را متوقف کند. رجب طیب اردوغان که همچنان تمایلات قدیمی خود را نسبت به اخوان المسلمین حفظ کرده، اینک علنی‌تر از گذشته، نقشه‌های سیاسی خود را در قفقاز، لیبی و یا حتی در چارچوب روابطش با قطر دنبال می‌کند. اما نوع نگرش اسلامی اردوغان با مذاق اماراتی‌ها جور نیست. آنها نسبت به جریان‌های نزدیک به اخوان المسلمین سخت حساسیت دارند و احتمالاً بی‌میل نیستند که از کمک اسرائیلی‌ها برای خنثی‌سازی شاخه‌های پیچیده این جریان اسلامگرا (از ترکیه تا قطر) برخوردار شوند. سرگردانی قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه:

آمریکا قبل از آن که در پرونده اسرائیل - فلسطین به کلی منفعل شود، در سوریه و همچنین در یمن و لیبی به حاشیه رانده شد. به عقیده ژان پیر فیلیو، تنها ابتکار عمل ترامپ در لبنان مشاهده شد که توانست طرح‌های فرانسه را برای این کشور ناکام بگذارد و امانوئل ماکرون را سخت عصبانی کند.

نه روسیه، به رغم حضور فعال در سوریه و نه چین، به رغم سرمایه‌گذاری‌های گسترده در منطقه، هیچکدام هنوز نتوانسته‌اند خلا استراتژیک ناشی از غیبت آمریکا را پر کنند. مسئله اینست که نه مسکو و نه پکن، قادر نیستند یک ساز و کار منسجم اقتدار و نفوذ را در خاورمیانه پیاده کنند. روسیه فقط به قدرت نظامی تکیه می‌کند و چین فقط به فعالیت اقتصادی. اما هیچ یک از این دو عامل نمی‌تواند به تنهایی گودال عمیق و خطرناک قدرت را در خاورمیانه بپوشاند.

ژان پیر فیلیو به اروپاییان هم چندان امیدی ندارد و می‌نویسد: البته شاید اتحادیه اروپا می‌توانست با اتکاء به معیارهای حقوق بین‌الملل، حکومت قانون و توسعه اقتصادی یک پروژه منسجم و درازمدت ارائه کند، اما این اتحادیه هم از حضور در صحنه بین‌المللی به عنوان یک قدرت بزرگ عاجز است و بنابراین در منطقه‌ای آشوب‌زده چون خاورمیانه هم قادر به کاری نیست.

سرنوشت ملت‌ها:

ژان پیر فیلیو در پایان مقاله اش می‌نویسد که اپیدمی کووید ۱۹ سرکوب تمایلات و خواسته‌های ملل منطقه را توسط رژیم‌های زورگو و بدون مشروعیت آسان تر کرده است. با اینحال روشن است که هیچ چیز جز آزادی عمل ملت ها نخواهد توانست برای خاورمیانه ثبات و رونق به ارمغان بیاورد. ولی با این اوصاف، سال ۲۰۲۱ هم به احتمال زیاد شاهد شدت گرفتن رقابت‌های منطقه‌ای و "ماجرای جدید نظامی" خواهد بود...

